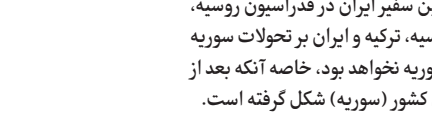
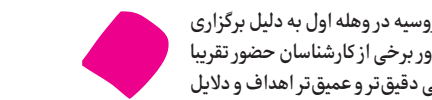


«شرق» در گفت‌وگو با نخستین سفیر ایران در فدراسیون روسیه به واکاوی اهداف و دلایل سفر پوتین به تهران پرداخت

سفر پوتین به تهران هیچ ارتباطی به حضور بایدن در خاورمیانه ندارد



این گزاره را نزدیک به واقعیت می‌دانید؟

تک به تک نکاتی که مطرح شد کاملاً درست است، ولی نکته مهمی که در تحلیل کارشناسان نادیده گرفته می‌شود به وضعیت ارتش سوریه و شخص بشار اسد بازمی‌گردد. دمشق در این شرایط که تقریباً نوعی برتری میدانی را در اختیار دارد، تمایل ندارد که بخواهد به‌عنوان وجه‌المصالحه و بازیگر غایب در مذاکرات سه‌جانبه ایران، روسیه و ترکیه قلمداد شود و در غیابش امتیازاتی بین تهران، مسکو و آنکارا در سوریه ردوپدل شود. بنابراین در شرایط فعلی اگرچه باید نشست سه‌جانبه روسیه، ترکیه و ایران را در قالب محور آستانه مثبت دید، اما اگر ما توقعی از جانب روسیه و به‌خصوص ترکیه و شخص اردوغان در تحولات سوریه داشته باشیم، یک انتظار ناپossible است. با توجه به میزبانی ما، بهتر است تهران پیش‌بینی از واقعیت‌ها داشته باشد تا این نشست به میزبانی ایران و با تبلیغات غلط توسط رسانه‌های داخلی به یک نشست شکست‌خورده تبدیل نشود؛ چون بیش و پیش از همه هزینه آن متوجه ایران خواهد بود.

● **خروج روسیه از سوریه و جایگزینی آن توسط نیروهای ایران و همسو با ایران، علاوه بر ترکیه نگرانی‌ای جدی را هم در آمریکا و اسرائیل ایجاد کرده است.** به همین دلیل تل آویوو دور جدیدی از حملات و تحرکات را در حمله به اهداف و مواضع ایران و ارتش بشار اسد کلید زده است. آیا خلأ روسیه و نگرانی هزمان آنکارا، تل آویو و واشنگتن در این خصوص می‌تواند سوریه را به نقطه صفر و آغاز مجدد جنگ داخلی بازگرداند؟

به‌هرحال نمی‌توان از واقعیت‌ها به‌خصوص واقعیت میدانی چشم‌پوشی کرد. متأسفانه سوریه اکنون به محل وزن‌کشی و جنگ‌های نیابتی تبدیل شده است. از یک طرف اسرائیل مرتب حملات هوایی، موشکی و پهپادی را انجام می‌دهد و از طرف دیگر



ترکیه نیز با عملیات‌های نظامی پی‌درپی بخش‌های دیگری از خاک سوریه را اشغال می‌کند؛ آمریکا هم که برنامه خود را برای سوریه دارد. این در حالی است که روسیه هم به دلیل جنگ اوکراین و خروج از این کشور به نگرانی‌های امنیتی سوریه دامن زده است. بنابراین این گزاره روزبه‌روز در حال تقویت است که مبادا سوریه دوباره به نقطه صفر و جنگ داخلی بازگردد؛ چراکه با خلأ روسیه در سوریه و کاهش نفوذ ایران احتمالاً نیروهای تروریستی با حمایت اسرائیل و ترکیه دوباره مجبور شوند و قدرت بگیرند. بنابراین اینکه جمهوری اسلامی بخواهد با توسل به محور آستانه تحولاتی را در سوریه ایجاد کند، چندان مطلوب و شمرثمر خواهد بود. از طرف دیگر نباید ایران این اشتباه را بکند که با همان نفوذ سابق و با استفاده از نیروهای نیابتی یا ارتش سوریه بتواند تحولاتی در عرصه میدانی در سوریه ایجاد کند؛ چراکه دست برتر ایران در گذشته ناشی از قدرت هوایی ارتش روسیه بود. اگر این موضوعات را در نظر بگیریم، خطرهایی جدی در پیش‌رو وجود دارد. بنابراین ما باید سیاست خارجی منعطف و هوشمند را تعریف کرده و بر اساس آن پیش برویم و در کنارش همکاری با دیگران می‌تواند ضمن حفظ منافع ایران در سوریه از آغاز مجدد جنگ داخلی در این کشور جلوگیری کند.

● **بخشی از سؤال قبلی را به‌ی جواب ماند، دوباره می‌پرسم. با توجه به نکاتی که عنوان شد، آیا از نگاه شما محور آستانه دیگر محلی از اعراب دارد؟**

نه اینکه تصور کنیم محور آستانه دیگر وجود ندارد، اما ضعیف شده است. بنابراین نمی‌توان گفت محور آستانه دیگر وجود خارجی ندارد؛ چون اگر وجود نداشت، پوتین و اردوغان بی‌کار نبودند که

پوتین به خاطر اهداف و منافع خود است که به ایران سفر می‌کند؛ روسیه در باتلاق جنگ اوکراین دست و پا می‌زند و با تهدیدات و تحریم‌های گسترده ناشی از این جنگ دست به گریبان است. در کنار آن چالش‌ها، مشکلات و گرفتاری‌های خود را هم در سوریه دارد. بنابراین پوتین اساساً، نه تمایل و نه در این شرایط توان آن را دارد که به خاطر منافع جمهوری اسلامی بخواهد به دلیل حضور بایدن در عربستان و اسرائیل به ایران سفر کند. پوتین وقت این بازی‌های کودکانه را ندارد که ما بخواییم با این مباحث غلط رسانه‌ای و نادرست برای خود هزینه ایجاد کنیم.

● **تمرکز جدی‌تری روی سفر پوتین به ایران داشته باشیم. به نظر می‌رسد که حضور رئیس‌جمهور روسیه بیشتر به خاطر مسائل سوریه و برگزاری محور آستانه خواهد بود که اولین دور از نشست سران در دولت رئیسی است. در همین راستا تحولات مربوط به سوریه به‌خصوص با خروج روسیه از این کشور و آمادگی ارتش ترکیه برای اشغال حلب، نگرانی‌هایی جدی را در قبال آینده این کشور (سوریه) ایجاد کرده است.** با این تفسیر آیا نشست سه‌جانبه پوتین-اردوغان-رئییسی درخصوص تحولات سوریه می‌تواند به یک خروجی قابل قبول دست پیدا کند؟ آیا این نشست سران ترکیه، روسیه و ایران یک نشست‌ی که از پیش فاقد نتیجه مطلوب باشد، نخواهد بود؟ چراکه بسیاری معتقدند محور آستانه منشأ اثر جدی در سوریه نیست، کما اینکه قبلاً هم باعث ایجاد تحولات جدی نبوده است؟

من کمیابش این جمله پایانی شما را تأیید می‌کنم، اما هم‌زمان نفس برگزاری نشست‌ی در سطح سران بین روسیه، ترکیه و ایران را هم چندان خالی از لطف نمی‌دانم. ولی اینکه بخواییم عنوان کنیم که این نشست پوتین، اردوغان و رئیسی می‌تواند منشأ اثر جدی و مثبتی در تحولات سوریه باشد، من چنین برداشتی ندارم.

● **به چه دلیل چنین باوری دارید؟** چون فاکتورهایی که اکنون در تحولات میدانی و همچنین اقتضات امنیتی و دفاعی سوریه وجود دارد نشان می‌دهد که ما باید شاهد گسل جدی و معاداری بین روسیه و ترکیه از یک سو و ترکیه و ایران از سوی دیگر باشیم. اول اینکه ارتش روسیه به دلیل جنگ اوکراین مجبور به خروج از سوریه شده است. در کنار آن هزینه‌های گزاف مربوط به حضور در سوریه، جنگ‌افزار، لجستیک و... آن‌هم در شرایط تحریم روسیه، باعث شده است که خروج روس‌ها از سوریه کلید بخورد. بنابراین اکنون شرایطی شکل گرفته است که روسیه دیگر توان مدیریت تحولات میدانی در سوریه را ندارد. نکته مهم‌تر آن است که تا قبل از جنگ اوکراین، روسیه می‌توانست با برخی میانجیگری‌ها بین ایران و ترکیه از تنش مستقیم بین آنها جلوگیری کند که نمونه آن به تحولات ادلب بازمی‌گردد، اما اکنون که روسیه از سوریه خارج شده است و مهم‌تر آنکه کرملین به دلیل تبعات مستقیم تحریم‌ها، دیگر آن نفوذ و قدرت سابق را در سوریه ندارد، ترکیه از این فرصت بهترین بهره‌برداری را در جهت منافع خود خواهد داشت. مصافا باید اختلافات ترکیه و روسیه در جنگ اوکراین را هم در نظر گرفت. بنابراین در مجموع و در شرایط فعلی تجانس جدی و پرتنگی بین جمهوری اسلامی ایران، روسیه و ترکیه در محور آستانه وجود ندارد. از این‌رو برگزاری نشست در سطح سران سه کشور نمی‌تواند به نگرانی‌ها در سوریه پایان دهد. البته من مخالف سفر اردوغان و پوتین به ایران و برگزاری نشست سه‌جانبه نیستم، اما نباید درخصوص آن بزرگ‌نمایی کرد؛ چون می‌بایعه در سفر اردوغان و پوتین به ایران بیش از آنکه برای ایران فایده و سود داشته باشد، هزینه در بر دارد و این به صلاح ما نیست؛ چراکه این تبلیغات غلط توقعاتی را در طرف ترکیه‌ای و روسی ایجاد می‌کند که ما از پس آن توقعات و انتظارات برنمی‌آییم.

● **آن‌گونه که مطرح است اردوغان، هم به دلیل چالش‌ها و مشکلات عدیده به‌خصوص در حوزه معیشتی و تورم ۸۰ درصدی و هم به دلیل برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری در سال پیش‌رو، به اهرمی جدی برای برپون رفت از این شرایط نیاز دارد.** بنابراین حمله به سوریه و اشغال حلب می‌تواند از یک سو برگ برنده‌ای برای اردوغان با هدف پیروزی در انتخابات باشد و از طرف دیگر به‌عنوان اهرمی در جهت انحراف افکار عمومی ترکیه از مشکلات اقتصادی عمل کند. به همین دلیل حضور اردوغان در تهران و برگزاری نشست سه‌جانبه نمی‌تواند آنکارا را از اشغال حلب منصرف کند. تا چه اندازه

پیش از پرداختن به موضوع محوری گفت‌وگو روی تقارن سفر جو بایدن و پوتین به خاورمیانه تمرکز کنیم. از نگاه شما آیا حضور هم‌زمان رؤسای جمهوری آمریکا و روسیه در غرب آسیا می‌تواند نقطه عطفی برای آغاز دور جدیدی از تحولات برای این منطقه باشد؟ آیا خاورمیانه در آستانه وقوع رویداد مهمی است؟ من چنین برداشتی ندارم.

● **پیش از پرداختن به موضوع محوری گفت‌وگو روی تقارن سفر جو بایدن و پوتین به خاورمیانه تمرکز کنیم.** از نگاه شما آیا حضور هم‌زمان رؤسای جمهور آمریکا و روسیه در غرب آسیا می‌تواند نقطه عطفی برای آغاز دور جدیدی از تحولات برای این منطقه باشد؟ آیا خاورمیانه در آستانه وقوع رویداد مهمی است؟ من چنین برداشتی ندارم.

اسرائیل و عربستان سعودی نبوده است؛ همان‌گونه که برعکس آن هم صادق است و سفر بایدن هم از ماه‌ها پیش برنامه‌ریزی شده بود و ارتباطی به حضور پوتین در تهران ندارد. در عالم دیپلماسی این‌گونه نیست که برنامه سفر سران کشورها، آن‌هم رؤسای جمهور آمریکا و روسیه بتواند به‌راحتی جابه‌جا شود یا زمان و مکان آن تغییر کند. هرچند در ظاهر ما شاهد سفر هم‌زمان پوتین و بایدن به خاورمیانه هستیم، اما این تقارن و هم‌زمانی به معنای ارتباط این دو به هم نیست. البته دستورکارهای رؤسای جمهور آمریکا و روسیه از حضور در غرب آسیا می‌تواند روی هم‌دیگر آثاری داشته باشد، اما اینکه پوتین و بایدن برای موازنه قدرت به خاورمیانه سفر کرده باشند، نه عقلانی و منطقی است و نه در عالم دیپلماسی شدنی.

● **به نکته بسیار مهمی اشاره کردید. برخلاف تصور و ارزیابی شما، رسانه‌های طیف رادیکال و برخی احزاب و جریان‌های نزدیک به دولت در داخل کشور اصرار دارند سفر پوتین به ایران را در مقابل سفر جو بایدن به اسرائیل و عربستان سعودی قرار دهند و آن را به‌عنوان یک وزن‌کشی سیاسی، دیپلماتیک و حتی امنیتی و دفاعی محور «شرق» در برابر جبهه ریاض-تل آویو-واشنگتن چارنند؟**

اجازه دهید نکته کلیدی و مهمی را درخصوص روابط جمهوری

اسلامی ایران و فدراسیون روسیه مطرح کنم. متأسفانه ما شاهد یک

ارزیابی بسیار غلط در رسانه‌های داخلی هستیم. ببینید آثار منفی و

تبعات مخرب ناشی از تبلیغات غلط و پروپاگاندای اشتباه در داخل

کشور، حال از جانب هر جریان، جناح و طیف سیاسی برای منافع

ملی به مراتب بیشتر از نفس داشتن ارتباطات و مناسبات نادرست

با یک کشور خاص مانند روسیه است.

● **قدری روشنگری می‌کنید؟**

ببینید در این شرایط حساس و بغرنج داخلی و منطقه‌ای هیچ دلیل و توجیهی ندارد زمانی که پوتین از قبل برنامه سفر به ایران را در دستور کار قرار داده است، بخواییم با برخی تحلیل‌های غلط و تبلیغات و پروپاگاندای نادرست رسانه‌ای و صرفاً از یک نگاه ایدئولوژیک بلوک‌بندی غرب در برابر شرق، سفر رئیس‌جمهور روسیه به ایران را با حضور بایدن در عربستان و اسرائیل ارتباط دهیم. قطعاً هیچ عقل سلیمی که اندک شناختی از عالم دیپلماسی داشته باشد، نمی‌تواند پیپیرد که چون بایدن به خاورمیانه سفر کرده باعث تحریک پوتین شده و رئیس‌جمهور روسیه را هم به ایران کشانده است.

● **چطور؟** پروپاگاندای رسانه‌ای غلط در داخل کشور به واسطه ارتباط‌دادن سفر پوتین به تهران با حضور بایدن در اسرائیل و عربستان این تلقین را ایجاد می‌کند که رئیس‌جمهور روسیه به خاطر منافع جمهوری اسلامی ایران و موازنه قوا در برابر آمریکا، عربستان و اسرائیل به تهران سفر خواهد کرد. در حالی که اساساً نفس حضور پوتین و اهداف کرملین از حضور در تهران هیچ ارتباطی به بایدن ندارد. این بی‌توجهی به تبلیغات غلط و تحلیل نادرست کارشناسان داخلی متأثر از نگاه‌های ایدئولوژیک شرق در برابر غرب یقیناً هزینه گزافی را در روابط ایران و روسیه متوجه ما می‌کند. پوتین محاسبات خاص خود را برای حضور در تهران دارد و بر اساس منافع ملی روسیه عمل می‌کند؛ اینکه ما بر اساس یک محاسبه نادرست، تقارن حضور بایدن و پوتین در خاورمیانه را به هم ارتباط دهیم و آنها را در مقابل هم بگذاریم فقط باعث آن می‌شود که روسیه بهره‌برداری و سوءاستفاده خود را از این تحلیل و پروپاگاندای داخلی ما داشته باشد.

● **چگونه؟** این‌گونه که امکان دارد در آینده روسیه و همین شخص پوتین عنوان کند که ما به‌ خاطر منافع ایران در سایه سفر بایدن به خاورمیانه به تهران سفر کردیم و برای این سفر قهرستی از اهداف و منافع خود را در برابر ایران مطرح کنند، در صورتی که طبیعتاً



را به سرانجام برسانند. برخی دولت‌ها توان و تمایلی برای این کار نداشتند و در مواقعی هم کشورهای همسایه همکاری لازم را در این زمینه انجام ندادند. به هر حال ایران در مرکز و کانون کریدور شمال-جنوب و همچنین کریدور شرقی به غرب قرار دارد و باید برای آن برنامه‌ریزی داشته باشد. باین‌حال اگر بخواییم به‌طور خاص روی سال‌ها روس‌ها در اقلام غذایی و کشاورزی با بسیاری از کشورها تأثیر راه‌اندازی کریدور شمال-جنوب بر مناسبات اقتصادی ایران و روسیه تمرکز کنیم، باید گفت روابط تجاری و واردات و صادرات ایران و روسیه به‌شدت محدود و در حد چند کالاست و در همه مناسبات و نیازها، نه روس‌ها می‌توانند به ما صادرات یا واردات داشته باشند و نه برعکس، ایران به روسیه. ببینید برای مثال در این اتفاقا مکان‌هایی هستند که روسیه هم نیازهای خود را از آنها تأمین می‌کند. بنابراین سطح روابط تجاری ایران و روسیه در زمینه صادرات و واردات بسیار محدود است. باین‌حال معتقدم چه در شرایط تحریم و چه در شرایط غیر تحریم، ایران به دلایل متعدد باید ظرفیت و پتانسیل استفاده از این کریدور شمال-جنوب را حفظ کند تا در نهایت تقاضا و نیاز از سوی کشورهای همسایه برای استفاده از آن در دستور کار قرار بگیرد و ظرفیت اجرایی‌شدن آن کامل شود. چون راه‌اندازی این کریدور تنها مربوط به ایران نیست، بلکه کشورهای همسایه و منطقه از هندوستان، پاکستان افغانستان گرفته تا روسیه، قزاقستان، ترکمنستان و... برای این کار باید با ایران همکاری کنند. البته امکان دارد در سفر پوتین برخی اقدامات برای استفاده نمایشی از این کریدور با هدف بی‌اثر جلوه‌دادن تحریم‌های غرب در جنگ اوکراین علیه مسکو در دستور کار قرار گیرد، اما ایران نباید در دام این اقدامات نمایشی بیفتد؛ چون این نوع بازی‌های پوتین بیشتر به ضرر ما تمام می‌شود. فراموش نکنیم که همین روسیه در مسئله انرژی با جمهوری اسلامی ایران رقابت جدی دارد؛ پس خوش‌خیالی است که تصور کنیم روسیه تمام این مسائل را نادیده می‌گیرد و به ایران در راه‌اندازی کریدور شمال-جنوب کمک می‌کند. همان‌گونه که گفتیم و تکرار می‌کنم هرگاه منافع روسیه ایجاد کند، به ایران در راه‌اندازی این کریدور کمک می‌کند و هرگاه هم که منافع اقتضا کند، روسیه از راه‌های دیگری برای واردات و صادرات به دیگر کشورها مانند هند استفاده می‌کند.

● **در نشست کشورهای حاشیه دریای خزر و در جریان دیدار رئیسی و پوتین مسئله سوآپ گازی ایران و روسیه مطرح شد. به نظر می‌رسد این مهم در کنار سوآپ گازی با ترکمنستان از اهداف جدی دیپلماسی انرژی دولت سیزدهم است.** آیا در این شرایط که عمان، قطر و عراقی‌ها با افزایش تولید و صادرات خود نیم‌نگاهی جدی به منابع مشترک با ایران دارند، این دست اقدامات دولت سیزدهم برای سوآپ گازی با همسایگان توجیهی دارد و در سفر پوتین به تهران مطرح خواهد شد؟

من هم معتقدم به جای این دست مسائل باید به سمت احیای برجام و کنار گذاشتن تحریم‌ها با هدف بازگشت ایران به بازار انرژی قدم برداریم؛ اما باید گفت که سوآپ گازی با ترکمنستان به دلیل همسایگی و نزدیکی با این کشور و همچنین با توجه به نیازهای ایران در حوزه انرژی در استان‌های شمالی کشور مسئله‌ای است که از گذشته در دستور کار دولت‌ها بوده و به نظر من امروز هم اقدام مثبتی است که باید هرچه زودتر اجرایی شود و باید بی‌توجه به مسئله تحریم‌ها، سوآپ گازی پیش رود. باین‌حال، تمام این برنامه‌ها نمی‌تواند جای برجام و لغو تحریم‌ها را بگیرد. ضمن اینکه نباید فراموش کنیم روسیه همواره رقیبی جدی برای صادرات انرژی ایران به اروپا بوده است. روس‌ها، هم قبل از انقلاب و هم بعد از آن همواره به دنبال آن بوده‌اند که از صادرات گاز ایران به اروپا جلوگیری کنند؛ بنابراین در عین احترام به روابط دوجانبه با روسیه و استفاده از برخی مواهب مثبت در حوزه انرژی با این کشور، ما باید در راستای منافع ملی خود و مستقل از مسکو عمل کنیم. منافع ایران در شرایط حساس کنونی و با توجه به بحران اقتصادی ایجاد می‌کند هرچه سریع‌تر احیای برجام و لغو تحریم‌ها و صادرات انرژی به اروپا عملیاتی شود.

بخوانند به ایران سفر کنند. به‌هرحال رؤسای جمهور روسیه و ترکیه هم در راستای منافع خود برنامه‌هایی برای محور آستانه دارند. از این نظر محور آستانه به کلی از بین نرفته است، اما نمی‌توان انتظار داشت که این نشست منشأ اثر جدی در تحولات سوریه باشد. باید ادعان داشت که اولویت‌های روسیه، ترکیه و ایران به‌شدت متفاوت و متضاد از گذشته شده است، به‌خصوص بعد از جنگ اوکراین. الاان اولویت اصلی روسیه و شخص پوتین در هر شرایطی تمرکز روی جنگ اوکراین است و بعد از آن مسئله تحریم‌ها. در نتیجه اگر روسیه و ترکیه حاضر به حضور در نشست آستانه در تهران شده‌اند، فقط به دلیل آن است که اردوغان و پوتین برنامه‌ها و اهداف خاص خود را دنبال می‌کنند، نه به خاطر نگرانی از آینده سوریه. واقعاً بعد از جنگ اوکراین دیگر سوریه از اولویت پوتین خارج شده است. من مشخصاً می‌خواهم به رئیس‌جمهور روسیه بپردازم. اگر پوتین به تهران می‌آید، سعی دارد به نام حضور در نشست آستانه مسائل مربوط به روابطش با ایران بعد از جنگ اوکراین را پیگیری کند، نه چیز دیگری. ● **از تحولات سوریه و محور آستانه عبور کنیم و تمرکز بیشتری روی اهداف پوتین در مناسبات دوجانبه تهران – مسکو، ذیل سفر به ایران داشته باشیم.** در این راستا مسئله مهمی که باید به آن اشاره کرد، به مذاکرات احیای برجام بازمی‌گردد؛ چون هر زمان که خبر از میانجیگری قطر، عمان و دیگر کشورها برای اترگیری مذاکرات به میان می‌آید با احتمال دور جدید مذاکرات مطرح می‌شود، مقامات روسیه به‌طور مستقیم و غیرمستقیم کارشکنی‌های خود را دارند. آیا حضور پوتین در ایران می‌تواند یکباره ایران را از احیای برجام منصرف کند؟

من خیلی اصرار ندارم از واژه «کارشکنی» برای اقدامات روسیه در قبال مذاکرات احیای برجام استفاده کنم.

به باور من روسیه همواره، چه پیش از جنگ اوکراین و چه پس از آن، بر اساس منافع ملی خود هیچ‌گاه شکل‌گیری برجام و احیای آن را در جهت منافع خود ندیده است. بنابراین اگر در شورای امنیت یا شورای حکام به نفع ما موضع‌گیری می‌کند یا هرازگاهی از ایران دفاع می‌کند و اقداماتی را در مذاکرات وین، دوحه و... انجام می‌دهد، صرفاً به دلیل منافع ملی روسیه است، نه منافع ایران؛ کمااینکه دیگر کشورها هم به‌روشنی تأیث کرده‌اند اگر احیای برجام در تقابل با منافع آنها قرار بگیرد، از هیچ تلاش آشکار و پنهانی برای عدم احیای آن دریغ نمی‌کنند. بنابراین چیزی به نام کشور دوست و همسایه یا متحد استراتژیکی تحت عنوان ایران وجود ندارد. روسیه و بعد از آن چین در پیشانی چنین نگاهی قرار دارند. چون وسعت دو کشور و مشکلات آنها بیشتر است، بنابراین نگرانی و دغدغه آنها درخصوص حفظ منافع ملی هم پررنگ‌تر است. حالا اسمش را کارشکنی بگذاریم یا نه عنوان دیگری مهم نیست، مهم آن است که مسکو و پوتین در جهت منافع ملی از هیچ اقدامی برای عدم احیای برجام فروگذار نخواهد بود.

● **به‌تازگی دولت رئیسی پس از اتمام مرحله آزمایشی حمل‌ونقل کالا از مسیر ترانزیتی روسیه به هند و برعکس، وارد فاز عملیاتی حمل بار صادراتی به روسیه از طریق کریدور شمال-جنوب شده است و بر اساس این ناوگان ملی کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران در بخش نخست عملیات حمل کالا در مسیر این کریدور (شمال-جنوب)، اقدام به انتقال ۳۰۰ کانتینر کالای صادراتی کشور به مقصد روسیه کرد.** در کنار آن سه‌شنبه گذشته اولین قطار ترانزیت کانتینری روسیه به هند با دستور معاون اول رئیس‌جمهور از مرز ریلی سرخس وارد ایران شد. این قطار ترانزیتی کانتینری روسیه به هند جز، مسیر شرقی کریدور شمال-جنوب محسوب می‌شود که نشان می‌دهد دولت سیزدهم به دنبال اجرایی‌کردن تمام و کمال این کریدور است. این در حالی است که بسیاری معتقدند با توجه به وضعیت کنونی اقتصاد کشور و همچنین تداوم و احتمال تشدید تحریم‌ها به واسطه احیانشدن برجام و از طرف دیگر وضعیت روسیه بعد از جنگ اوکراین، این اقدامات صرفاً در حد نمایش باقی خواهد ماند. حال از نگاه حضرت‌عالی به‌عنوان آخرین سفیر جمهوری اسلامی در شوری و اولین سفیر ایران در فدراسیون روسیه، در سایه سفر پوتین امکان دارد استفاده از این کریدور به شکل جدی‌تری در دستور کار مسکو قرار بگیرد؟

اجرایی‌کردن کریدور شمال-جنوب برای سال‌ها و دهه‌های متعدادی است که در دستور کار دولت‌ها قرار گرفته و هر دولتی هم به دلیل مشکلات داخلی، منطقه‌ای و جهانی نتوانسته است آن

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به دنبال این است که رویکرد خود را در حجاب و عفاف تبیین کند. اقداماتی در این راستا برنامه‌ریزی شد تا به این وسیله وزارت فرهنگی و ارشاد بتواند تأثیرگذار باشد. مانند اقدامات راهبردی و نمادین که روایتگر رویکرد جدید به موضوع است. وی افزود: در تبیین رویکرد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به مسئله حجاب و عفاف، نگاه ویژه وزارتخانه به مسئله بر روند فعالیت تأثیرگذار است. باورمند به این هستیم که زیست عقیفانه در تاریخ و فرهنگ ایران وجود دارد. رویکرد ایجابی جایی انجام می‌شود که در مواجهه با مسئله زنان باید برای تکریم و رشد زنان فعالیت کنیم. در مواجهه با جامعه‌ای که دنیای غرب پیش‌روی ما می‌گذارد باید قوی عمل کنیم. فضای رسانه بیگانه بر مسئله حجاب و عفاف تمرکز دارد و روی این مسئله سرمایه‌گذاری می‌کند، این همان آسیب منزلت زنان است.

مشاور اجتماعی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از برگزاری «رویداد ملی دا» با تمرکز بر نگاه ایجابی مسئله عفاف و حجاب خبر داد و گفت: در این رویداد دنبال خلق نمونه و مدل در جامعه زنان هستیم، زیرا حل مسئله زنان توسط خود آنها صورت می‌گیرد.

عاطفه خادمی در نشست مطبوعاتی عفاف و حجاب که دیروز در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد، با اشاره به اهمیت موضوع عفاف و حجاب گفت: به مناسبت این هفته اقدامات زیادی را در دستور کار خود قرار دادیم، اینها اقدامات نمایشی نبود، بلکه اقدامات زیرساختی بود. شاهد بودیم که گاهی خبرها و دستاوردهای آن با هفته حجاب و عفاف مقارن شد، یک اقدام مهم و اساسی تمرکز ویژه بر فرهنگ عمومی کشور و ترویج زیست عقیفانه در بحث موضوع حجاب و عفاف است. به گفته مشاور اجتماعی وزیر و دبیر ستاد جمعیت،

مشاور وزیر فرهنگ؛

حل مسئله حجاب باید توسط زنان انجام شود

خادمی با تأکید بر اینکه رویداد دا ونخیزه‌های از اقدامات بعدی را بعد از سه روز اجرایش خواهد داشت، ادامه داد: این رویداد به سمت زیست‌بوم اختصاصی حرکت خواهد کرد. رویداد دا نمایشی از وجه حکمرانی مردمی و دغدغه دولت است و این تجربه را به نمایش می‌گذاریم. او با اعلام اینکه بخش خصوصی مجری رویداد دا است، توضیح داد: به این منظور توانستیم با فعالان حوزه زنان شهد ارتباط برقرار کنیم، امیدواریم به واسطه این رویداد، شروعی را برای تحول بنیادین عمیق و اثرگذار در حوزه زنان رقم بزنیم. خادمی درباره قیمت بالای اقتصادی و فرهنگی حجاب در جامعه توضیح داد: برای تسهیل عمل حجاب، باید به سمت هم‌افزایی بین‌دستگاهی برویم. بخشی از این مسئله مربوط به تولید می‌شود؛ اگر با فعال‌کردن ظرفیت‌های بومی به این مسئله نگاه شود، بسیاری از نیازها رفع خواهد شد.